

اهداف تربیت رحمت محور در راستای حقوق بشر

دکتر جبرائیل اف
استادیار، عضو هیئت علمی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه باکو، آذربایجان.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰.۰۲.۱۹ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰.۰۸.۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱.۰۲.۰۲

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان اهداف تربیت رحمت محور در راستای حقوق بشر است که به منظور بررسی اهداف تربیت بر اساس رحمت انجام شده است به این منظور در این تحقیق، سعی بر آن شده است که اهداف تربیت رحمت محور در راستای حقوق انسانی از قرآن اصطیاد شود.

با توجه به هندسه آیات مربوط به رحمت روشن می شود که رحمت الهی منشأ همه افعال اوست. و به همین جهت هدایت و تربیت تکوینی و تشریحی عالم هستی تحقق یافته است.

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی بوده و در تحلیل مباحث از روش تفسیر موضوعی استنتاجی استفاده کرده و به بررسی موضوع پرداخته است.

در این تحقیق تلاش بر این بوده است که با استفاده از روش تفسیر موضوعی استنتاجی نظر قرآن را در مورد رحمت و اهداف تربیتی برخاسته از آن در راستای حقوق افراد به دست بیاوریم. در بررسی اهداف تربیت رحمت محور با توجه به آیات قرآن بر اهدافی مانند رسیدن به معرفت خدای متعال، ایمان به گستره رحمت الهی نسبت به حقوق یکایک بشر، شکرگزاری، دستیابی به تقوا در نسبت به رعایت حقوق انسانها و مانند آن دست یافتیم.

واژگان کلیدی: تربیت، رحمت، حقوق، قرآن.

The goals of mercy-oriented education in line with human rights

Abstract

The present research is titled as the goals of mercy-oriented education in line with human rights, which was carried out in order to investigate the goals of education based on mercy. For this purpose, in this research, an attempt has been made to find the goals of mercy-oriented education in line with human rights from the Quran . .

According to the geometry of the verses related to mercy, it is clear that God's mercy is the source of all His actions. And for this reason, the guidance and education of the formation and legislation of the world of existence has been realized.

This research is a descriptive and analytical method, and in the analysis of the topics, it used the inferential interpretation method and investigated the topic.

In this research, an attempt has been made to obtain the Qur'an's opinion about mercy and the educational goals arising from it in line with the rights of individuals by using the method of inferential thematic interpretation.

In examining the goals of mercy-oriented education, according to the verses of the Qur'an, we found goals such as attaining the knowledge of God Almighty, faith in the extent of God's mercy in relation to the rights of each human being, gratitude, attaining piety in relation to the observance of human rights, and the like.

Keywords: education, mercy, law, Quran.

مقدمه

تربیت از مهمترین مسائل زندگی انسان است؛ زیرا شکوفایی استعدادها و رسیدن به تکامل و هدف خلقت مبتنی بر آن است. از این رو تمام ادیان آسمانی و پیامبران الهی، حتی همه مکتب‌های موجود در جهان به امر تربیت اهمیت داده‌اند. مکتب‌ها و دیدگاه‌های مختلف تربیتی هر کدام بر اساس مبانی خاص خود به تبیین اهداف، اصول، روش‌ها و مؤلفه‌های دیگر تربیت پرداخته‌اند.

نظریه‌های تربیتی بشری که بر عقل و تجربه پایه‌گذاری شده‌اند به علت بی‌توجهی یا کم‌توجهی به بعد معنوی، روحانی و اخروی انسان نتوانسته‌اند برنامه‌ای کامل و جامع برای شکوفایی این ساحت ارائه دهند. عقل و تجربه انسان هرگز از وحی، نبوت و امدادهای غیبی بی‌نیاز نیست. عقل مثل چشم در جسم انسان است که جایگاه خاصی در وجود انسان دارد؛ چون انسان به واسطه چشم حقیقت‌ها را می‌تواند ببیند. ولی چشم به تنهایی برای دیدن حقیقت‌ها کافی نیست؛ چون انسان در تاریکی باین که چشم دارد، قادر به دیدن نیست؛ بلکه نیاز به نور تابناکی دارد که تاریکی و ظلمات او را روشن کند.

غرور، جهالت و ... مثل پرده جلو عقل انسان کشیده شده و مانع دیدن او می‌شوند. پس انسان برای دیدن حقیقت‌ها افزون بر عقل، نیازمند به نور وحی و نبوت است. برای به دست آوردن نتیجه مثبت و مفید در امر تربیت لازم است با استفاده از عقل به منبع خطاناپذیر و قطعی وحی که در قرآن کریم جمع‌آوری شده است، مراجعه کرد.

دانشمندان مسلمان با رجوع به قرآن کریم با توجه به نوع نگاه و برداشت خود از آیات نظام و برنامه‌های تربیتی خاصی را ارائه کرده‌اند. برداشت ما در پژوهش حاضر این است که موضوع رحمت در قرآن کریم بحثی محوری است و ساختار بسیاری از مباحث از جمله مباحث حقوقی است. کاربرد بیش از حد واژه رحمت در قرآن، مطرح شدن رحمت به عنوان هدف خداوند متعال از آفرینش و متصف شدن خداوند و مربیان الهی به این صفت، نشان روشنی برای بررسی موضوع تعلیم و تربیت حقوقی در پرتو رحمت است.

پژوهش حاضر با توجه به گستره دلالت‌های تربیتی این موضوع تمرکز خود را بر اهداف تربیت حقوقی باین برداشت گذاشته است و با روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته است و در تحلیل مباحث آن از روش تفسیر موضوعی استنباطی استفاده شده است.

کاربرد واژه رحمت در قرآن کریم

یکی از محوری‌ترین صفات الهی و مباحث قرآن کریم رحمت و رحمانیت است. واژه رحمت یکی از پرکاربردترین واژگان قرآن کریم است که در بیش از ۵۰۰ آیه از آن سخن به میان آمده است. خداوند متعال رحمت را بر خود واجب نموده است و می‌فرماید: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ». (انعام / ۱۲). همچنین می‌فرماید: «إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ». (هود / ۱۱۹). «وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» اشاره به رحمت است و معنایش اینست که خلاق برای رسیدن به رحمت خلق شده‌اند تا بدان وسیله به سعادت خود نائل آیند. براین اساس، خداوند متعال نظام آفرینش، هستی و تکوین را بر پایه رحمت و وسعه خود خلق کرده است. افزون بر نظام تکوین، نظام تشریح نیز بر پایه رحمت تدوین گردیده است. ارسال رسل به‌ویژه رسالت پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء / ۱۰۷) و انزال کتب به‌ویژه قرآن کریم «هَذَا بَصَائِرُ مِّنْ رَبُّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف / ۲۰۳) نیز بر همین اساس بوده است. با توجه به اینکه رحمت الهی بر همه صفات و افعال الهی وسعت دارد «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف / ۱۵۶) و تدبیر امورات عالم بر اساس رحمت صورت می‌گیرد، دقت و تأمل در این امر می‌تواند ما را به یک نظام تربیتی رحمت‌محور با تمام مؤلفه‌های آن نزدیک نماید. سعی ما در این جستار این است که اهداف تربیتی رحمت‌محور را از آیات قرآن استخراج کنیم.

پس بر اساس آیات قرآن، خلقت هستی و انسان و دارایی‌های آدمی بر اساس رحمت است. همچنین باید گفت که آنچه انسان نیاز داشته است خداوند در او قرار داده است.

وقتی می‌توانیم بگوییم خلقت بر اساس رحمت است که هیچ کمبودی و نقصی در خلقت نباشد. چنانچه در قرآن آمده است: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَٰوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ». (ملک / ۳). «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟!»

لازمه رحمت نیز آن است که خلقت و آفرینش بی‌هدف نباشد و گرنه زندگی با سختی‌ها و مشکلات قابل توجه نیست. حرکت بدون مقصد و نتیجه بی‌ثمر و بی‌فایده است. و این با رحمت نمی‌سازد که کسی را مشغول فعالیت بدون نتیجه و ثمر بکند.

حالا بر اساس رحمت این مقصد چیست؟ رسیدن به همه خوبی‌ها، آرامش‌ها و قدرت‌هاست. هضم و جذب شدن در یک دریای بی‌کران که نابودی ندارد که همان خداوند است.

پیشینه تحقیق

در اینجا اشاره کوتاهی به پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است می‌شود.

علیرضا عراقیه، در کتاب تحت عنوان: «اهداف تربیت از دیدگاه ائمه معصومین (ع)» کوشیده است که با تکیه بر احادیث ائمه معصومین (ع)، اهداف شخصی تربیت و نیز اهداف تربیتی اجتماعی، تربیت اقتصادی، تربیت معنوی، تربیت فرهنگی، تربیت سیاسی و تربیت حقوقی از دیدگاه ائمه معصومین (ع) را بررسی کند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، این اثر مجموعه «درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی» است که حاوی طرح کلی «اهداف تربیت اسلامی» و مباحث مربوط به آن است. در جلد اول این مجموعه، تعریف تعلیم و تربیت، تاریخچه و موضوع آن بررسی شد و در جلد دوم اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام مورد توجه قرار گرفته است، نه اهدافی که در علوم تربیتی مطرح است.

سید محمد دلبری، عباس مصلاهی پور، حسن ملکی، در مقاله تحت عنوان «الگوی اهداف تربیت دینی مبتنی بر آموزه های قرآن کریم» تلاش کرده‌اند که اهداف تربیت دینی را بر اساس آیات قرآن مشخص کنند. اهداف تکوین و تشریح را از هم جدا کرده‌اند. اهداف تکوین را با عنوان غایت‌ها و اهداف تربیت بر اساس غایت‌های مصرح در خلقت الهی (احسن عملاً، عبادت، شکر و رحمت) آورده‌اند. اما اهداف تشریح را با عنوان اهداف فرایند هدایت در قرآن کریم (اهتداء، فلاح و فوز) بیان کرده‌اند. بعد ذکر می‌کنند که غایت تربیت را «ایمان و عمل صالح» مشخص می‌کند. این غایت در قالب دو دسته هدف تحقق می‌یابد؛ اهدافی که خود جزئی از هدف غایی هستند نظیر ایمان و عمل صالح (تقوا به معنای امتثال اوامر و نواهی) و اهدافی که واسطه و معبر رسیدن به اهداف پیشین می‌باشند (اهداف ابزاری یا عالی). علم آموزی و اندیشه ورزی (تفکر، تذکر، تعقل، تدبر، فقه) از این گونه‌اند.

میکائیلو غلامحسین، سلطان القرایی خلیل، در مقاله تحت عنوان «اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام» سعی کرده‌اند که اهداف تعلیم و تربیت اسلامی در سطوح مختلف و راهکارهای لازم برای رسیدن به آنها را بیان کنند. نتیجه پژوهش آنها در مورد اهداف این بوده که اهداف تعلیم و تربیت در اسلام دارای مراتب مختلف شامل اهداف غایی (عبودیت، قرب و رضوان الهی و حیات طیبه) و اهداف واسطه‌ای (محوریت توجه به خدا، فرد، دیگران و طبیعت) هستند که در نهایت تمامی آنها برای حصول به اهداف غایی تنظیم شده‌اند.

سید حسین هاشمی، در مقاله تحت عنوان «چیستی و اهداف تربیت» تلاش کرده است که اهداف تربیتی را مشخص کند. در این مقاله به اهداف تربیت از آفاق متفاوت مادی و معنوی نگریسته شده و کمال انسانی از راه تقرب و عبودیت خداوند و به دیگر سخن خداگونه شدن، هدف اصلی و بنیادین تربیت از منظر قرآن معرفی شده است.

از تحقیقات انجام شده در باره اهداف تربیتی به دست می‌آید که اکثراً رحمت را از اهداف تربیتی به شمار نیاورده‌اند و اگرچه در یکی از آن‌ها یعنی در مقاله «الگوی اهداف تربیت دینی مبتنی بر آموزه های قرآن کریم» رحمت از اهداف تربیتی محسوب شده است، ولی در آنجا نیز بر رحمت چنین نگاه نشده است که بر اساس آن بتوان یک نظام تربیتی رحمت‌محور به دست آورد که در آن، هدف غایی رسیدن به رحمت الهی باشد و بر اساس آن اهداف میانی رحمت‌محور استخراج شود.

تعریف هدف

در تعریف هدف می‌توان گفت: «هدف، نقطه‌ای است که تلاش‌های ما برای رسیدن به آن، معطوف است» (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۹). یا «نهایت و سرانجامی که کار به‌سوی آن نشانه می‌رود» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳). البته باید ذکر کرد که از نظر ارزشی هدف نباید چیزی که مطلوب فاعل است و برای به دست آوردن آن کاری را انجام می‌دهد، بلکه هدف باید چیزی باشد که شایسته است مطلوب انسان قرار گیرد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳). ضرورت داشتن هدف در هر کاری امر بدیهی است. چون بدون این‌که انسان مسیر هدفش را بداند، نمی‌تواند موفق باشد. ولی باید هدف درستی داشته باشیم؛ یعنی هدفی را دنبال کنیم که شایسته است مطلوب ما انسان‌ها باشد.

در امر تربیت هرگز نباید از رحمت غفلت کرد؛ چون تربیت بدون رحمت قابل‌تصور نیست. در تربیت رحمت‌آمیز، مربی باید به‌گونه‌ای باشد که رنگ و بوی رحمت به خود بگیرد. البته باید توجه داشت که آنچه به‌عنوان بحث اهداف مطرح می‌شود، هرچند با نگاه رحمتی مورد توجه قرار گرفته است، ولی در مجموع با بسیاری از اهداف مطرح شده در تعلیم و تربیت نزدیک است.

انواع هدف

در اهداف تربیتی با ملاک قرار دادن انسان اهداف به غائی و میانی تقسیم می‌شود.

۱- هدف غائی در هر مکتبی کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های او متأثر از آن باشد. ویژگی‌های هدف غایی از نظر اسلام که در کل به آن ماهیت خاصی بخشیده است، عبارت‌اند از: همسازی با فطرت، جامعیت، برانگیزندگی، عدم محدودیت، وحدت هدف نهایی باهدف زندگی (آفرینش) و وحدت هدف غایی (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷، ص ۳۰-۳۲). هدف غایی از دیدگاه اسلام حقیقت بی‌نهایت و جامع تمام ارزش‌ها یعنی خداوند است. اوست که بی‌نهایت و کامل است و می‌تواند محور تمام افعال انسان قرار گیرد. منظور از محوریت خداوند و هدف بودن او همان حضور او در متن زندگی است (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷، ص ۳۳-۳۴).

۲- اهداف میانی: اهداف واسطه‌ای صورت‌گرفته‌اند و مرحله‌ای هدف نهایی هستند و در کل، همان هدف نهایی را تشکیل می‌دهند. علت تقسیم‌بندی هدف نهایی به اهداف واسطه‌ای، روشن‌تر کردن و زدودن ابهام از آن است تا انسان به طور مشخص بداند در هر مرحله‌ای چه وظیفه‌ای دارد (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

۱- هدف غائی:

هدف غائی از راه جهان‌بینی و شناخت آغاز و انجام خلقت و نیز با استفاده از معرفت‌های برگرفته شده از وحی شناخته می‌شود؛ اما نکته‌ای که تذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که مقصود از هدف نهایی خلقت در اینجا، این نیست که خداوند چرا انسان و دیگر موجودات را خلق کرده است، بلکه منظور این است که حال که خلق کرده، نهایت و پایان حرکت او کجاست و این سیر باید به کدام مقصد ختم شود؟ سؤال از سبب خلقت نیست، بلکه از این است که مقصد نهایی خلقت چیست؟ (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۸۹).

از بسیاری از آیات قرآن استفاده می‌شود که خلقت و آفرینش جهان هدفمند است؛ از جمله: «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ». (انبیاء / ۱۶).

بعد از اینکه به هدفمندی آفرینش هستی اشاره کردیم، اینک این سؤال باید پاسخ داده شود که پس هدف از آفرینش هستی چیست؟

در پاسخ این سؤال باید گفت که هدف از آفرینش هستی رحمت الهی است؛ یعنی خداوند متعال به خاطر رحمتش این هستی را خلق نموده است.

امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌نویسد: «عالم نقشه رحمت رحمانیه است. و از این جهت، اهل معرفت فرمایند: «ظهر الوجود بسم الله الرحمن الرحيم». و رحمت رحمانیه و رحیمیه مفتاح باب وجود است، چنانچه مفتاح کتاب تدوین است» (خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹).

از نظرایت‌الله مصباح یزدی هدف از تکرار «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در سوره فاتحه، آن است که افزون بر اهمیت این دو صفت الهی، به خاطر جنبه تعلیمی‌داشتن این سوره، فلسفه تکرار رحمانیت خداوند را در منشأ خلق بودن آن در هستی باید دانست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵).

قرآن همان طوری که بر هدفمندی آفرینش هستی تأکید می‌کند، بر هدفمندی خلقت انسان نیز تأکید می‌کند:

درایه‌ای چنین آمده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؛ (مؤمنون / ۱۱۵)
«آیا پنداشته‌اید که شمارا بیهوده آفریده‌ایم و به‌سوی ما بازگشت نمی‌کنید؟»

قرآن درباره اهداف آفرینش انسان چند هدف را ذکر می‌کند. از جمله:

آزمایش انسان: این مطلب را می‌توان از آیه هفتم سوره هود به دست آورد: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا و...». (هود / ۷).

آفرینش جهان مقدمه‌ای برای آفرینش انسان است و انسان آفریده‌شده است تا سر دوراهی قرار بگیرد و آزموده شود. نتیجه اینکه آفرینش جهان برای آزمایش انسان بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۶).

عبادت و بندگی: به این هدف در قرآن چنین اشاره شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». (ذاریات / ۵۶).

هدف از آفرینش انسان، پیمودن کدام مسیر بوده است؟ آیات قرآن، راه را به‌خوبی نشان می‌دهند: «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». (یس / ۶۱). هدف، راه مستقیم است؛ ولی چون اختیار هست، باید کُزراه هم باشد تا آزمایش تحقق یابد. بر همین اساس، در آیه‌ای دیگر هدف از آفرینش جن و انس، عبادت معرفی می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۷).

پس آزمایش و عبادت از اهداف متوسط آفرینش انسان است.

آیت‌الله مصباح هدف اصلی آفرینش انسان را رحمت می‌داند: عالی‌ترین هدف آفرینش انسان باید چیزی برخاسته از ذات الهی و صفات نیکوی او باشد؛ اما کدام صفت منشأ آفرینش انسان

بوده است. آیا خدا انسان را آفریده است تا به او رحمتی کند و او را به بهشت برد، یا با قهر و عذاب، او را روانه جهنم سازد؟ در برخی از آیات می‌خوانیم که بسیاری از انسان‌ها برای جهنم آفریده شده‌اند: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ». (اعراف / ۱۷۹). «در حقیقت، بسیاری از جنیان و انسان‌ها را برای دوزخ آفریده‌ایم». ولی شاید بتوان از آیه ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره هود استفاده کرد که هدف بالاصاله، رحمت الهی است: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَرَاؤُونَ مُخْتَلِفِينَ. إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ». (و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد؛ درحالی‌که پیوسته در اختلاف‌اند؛ مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است)؛ بنابراین آیه، اساساً آفرینش انسان برای بهره‌مندی از رحمت الهی بوده است. این تفسیر در صورتی است که «ذلک» اشاره به رحمت باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۷).

در مورد آیه ۱۷۹ سوره اعراف باید گفت که اول‌این‌ایه اشاره به هدف بالاصاله ندارد، بلکه اشاره به هدف تبعی دارد. و چنین نیست که خدا دشمنی داشته باشد که از اول بسیاری از جن و انس را برای جهنم خلق کند، بلکه برای افرادی که گوش به فرمان الهی نداده و مرتکب جرم و جنایت می‌شوند نیز باید جایگاهی را در نظر گرفت. ثانیاً در این‌ایه نیامده است که اکثر جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم. بلکه عبارت کثیر آمده است؛ یعنی تعداد آنها انگشت شمار نیست.

تمام آیاتی که انسان را به اطاعت و بندگی خدا می‌خوانند و از نافرمانی بر حذر می‌دارند، مؤید این مطلب‌اند که خدا انسان‌ها را آفریده است تا مورد رحمت و لطف خویش قرار دهد. این رحمت که مقتضای ذات کامل الهی و فیاضیت مطلق اوست، پایانی ندارد و مؤمنان صالح یکسره در بهشت از این رحمت برخوردار خواهند بود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا». (نساء / ۱۲۲). «و کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، به‌زودی به باغ‌هایی می‌بریم که زیر درختان آن، نهرها جاری است و در آن جاویدان‌اند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۷-۴۵۹).

از مباحث مذکور به‌این نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی خلقت هستی و انسان رحمت است؛ یعنی انسان برای رسیدن به رحمت الهی خلق شده است. یعنی پایان حرکت انسان در این عالم و هدف نهایی و غائی هستی رحمت الهی است. البته باید گفت که اهداف دیگری مثل آزمایش و عبادت نیز برای خلقت انسان ذکر شده است که اهداف متوسط محسوب می‌شوند.

منظور از رحمت الهی در این تحقیق بهره‌مندی از گستره رحمت خداوند در مسایل مربوط به حقوق بشر است.

اشاره شد که صفت رحمت در خداوند متعال از وسعت و گستردگی برخوردار است به گونه ای که همه صفات الهی و اسماء او زیر مجموعه این صفت قرار می‌گیرند و از این رو، رحمت خداوند شامل همه موجودات عالم هستی شده است. حتی عذاب و جهنم الهی بر اساس رحمت آفریده شده است. خداوند رحمت را بر خود واجب و حتمی ساخته است و به شکل عام و خاص نسبت به بندگانی که به فرامین او پاسخ مثبت می‌دهند رسانده است. بر اساس رحمت است که خداوند به همه موجودات نیازهایشان را داده است. به ویژه به انسان از برترین استعدادها و امکانات برای زیستی از روی عقل و فطرت و اختیار عطا کرده است و در عین حال دستورات انسان‌ساز را در قالب برنامه های گوناگون و به صورت رحمت تشریعی ارائه کرده است تا انسان‌ها در دنیا از برنامه‌ای سازنده و قسط و عدالت آفرین برخوردار گردند. به ویژه اینکه هدف غایی این است که انسان بعد از رحلت و مرگ نیز به رحمت واسعه الهی و قرب رحمانی او دست پیدا کند.

در نتیجه، می‌توان گفت که هدف غائی تربیت رسیدن به رحمت واسعه است. و گرفتن رنگ و بوی رحمت الهی است؛ یعنی خداوند رحیم می‌خواهد انسان‌هایی را تربیت کند که در نهایت امر به رحمت الهی دست پیدا کنند. به این معنا که تمام‌اندیشه و گفتار و کردارشان یعنی تمام هستی آن‌ها رنگ و بوی رحمت الهی را بر خود گرفته باشد.

۲_ اهداف میانی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از مبانی تعیین و شناخت اهداف کلی و رفتاری، همان توجه به هدف غائی است، به این معنا که همه هدف‌های دیگر باید طوری تعیین شوند که ما را به آن هدف نهایی برسانند و هر هدفی که رساننده به آن مقصد نهایی نباشد یا دورکننده از آن باشد، باید کنار زده شود؛ و اینجاست که تمامی هدف‌های تعلیم و تربیت رنگ خاص غایت را به خود می‌گیرند (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ص ۸۹). پس باید در انتخاب اهداف میانی دقت شود که اهدافی را انتخاب نکنیم که نتوانند ما را به هدف غائی برسانند.

قابل ذکر است که در اینجا سعی بر آن است که اهداف را فرا ساحتی بحث کنیم. اینک به برخی از اهداف میانی اشاره می‌کنیم:

۲-۱ معرفت خدای متعال

سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود آن است که انسان می‌تواند به خداوند متعال معرفت پیدا کند یا نه؟ در قرآن کریم خدای متعال به هدف خلقت اشاره کرده و فرموده: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون». (ذاریات / ۵۶). در تفسیرایه نیز آمده: «ای ليعرفون»؛ (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸۲) یعنی خلق نکردم جن و انس را مگر برای عبادت، عبادتی که خود نوعی معرفت خداوند است.

لازمه‌ی عبادت، معرفت معبود است، پس آفرینش جن و انس برای شناخت حق و حرکت در راه خداوند است «لِيَعْبُدُونِ» (قرآنی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۲۶۸). پس می‌توانیم بگوییم که اگر معرفت به خدا امکان‌پذیر نبود، خداوند هدف از خلقت را عبادت و معرفت خدا قرار نمی‌داد.

و سؤال مطرح شده دیگری نیز در این مورد این است که ارتباط معرفت الهی با رحمت الهی چیست؟ در پاسخ این سؤال هم می‌گوییم که خداوند چون رحمت دارد و دارای رحمت واسعه است، اجازه داده است آدمی به خزینه و گنجینه معرفت و محبت او راه پیدا کند. و بدون معرفت به خداوند رسیدن به رحمت الهی امکان‌پذیر نیست. به خاطر همان است که خداوند درایه مذکور عبادت و معرفت را هدف خلقت معرفی می‌کند. و به همه پیام می‌دهد که انسان بدون معرفت از هدف خلقت یعنی رحمت الهی دور می‌شود. انسان برای نزدیک شدن به رحمت الهی چاره‌ای جز این ندارد که به خداوند معرفت پیدا کند. پس ارتباط معرفت به عنوان هدف میانی با رحمت الهی به عنوان هدف غائی مشخص می‌شود.

معرفت به خدا از مهم‌ترین اهداف میانی است. چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اول الدین معرفته». (سید رضی، ۱۳۹۳، خطبه اول). «اول تدین معرفت خداست». این حدیث اهمیت معرفت را می‌رساند. محوریت معرفت خداوند را بیان می‌کند. و این که بدون معرفت او امکان تدین وجود ندارد (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

۲_۲ ایمان به خدا و اطاعت از او و رسولش

انسان برای رسیدن به رحمت الهی باید به خداوند ایمان آورده و از او اطاعت کند. در قرآن کریم چنین آمده است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (آل عمران / ۱۳۲). «فرمان خدا و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت الهی شوید».

این را باید ذکر کرد که انسان بدون ایمان و باور قلبی به خداوند، از او اطاعت نمی‌کند. پس اطاعت وابسته به ایمان قلبی است. از این‌ایه به دست می‌آید که با اطاعت از خداوند و پیامبر (ص) می‌توان به رحمت الهی رسید. پس ایمان به خدا و اطاعت از او و فرستاده‌اش از اهداف میانی به شمار می‌رود که به واسطه آن می‌توانیم به رحمت الهی برسیم.

در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که مگر اطاعت از خدا با اطاعت از پیامبر (ص) تفاوتی دارد؟ چرا درایه هم اطاعت از خدا و هم اطاعت از پیامبر (ص) از ما خواسته شده است؟

در جواب این سؤال باید گفت که اگر فقط اطاعت از خدا از ما خواسته شود، پیامبر (ص) به عنوان مصداق و نمونه ذکر نشود.

کسانی که در مقابل پیامبر (ص) هستند، ممکن است ادعا کنند که ما داریم اطاعت از خدا می‌کنیم. دامنه ادعا که وسیع است، همه کس می‌تواند داعیه دین و ایمان و تقوا را علنی کند. در زمان پیامبر، هم پیامبر مدعی عبودیت و اطاعت خدا بود، هم آن کسانی که در جبهه مقابل او، با او می‌جنگیدند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۴).

این‌ایه یک اشتباه و پندار ما را نیز اصلاح می‌کند؛ چون تصور ما در مورد رحمت خدا قرار گرفتن غالباً زمانی است که هیچ عملی انجام نداده‌ایم و مرتکب گناهان زیادی شده‌ایم. در این حال فقط به رحمت الهی امید داریم و امیدوار می‌شویم که خدا با رحمتش با ما برخورد خواهد کرد. در واقع رحمت الهی را در مقابل عمل و جایگزین آن قرار می‌دهیم. می‌گوییم که گرچه ما با دستورهای خدا مخالفت کرده‌ایم، ولی او با ما با رحمتش عمل خواهد کرد. اما این‌ایه بر عکس آن است. می‌گوید عمل کنید، اطاعت کنید، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۵).

پس امید به رحمت خدا بدون اطاعت از او و پیامبر (ص) یک تصور اشتباهی است. بلکه از نظر قرآن برای رسیدن به رحمت الهی باید عمل و اطاعت کرد.

و نیز درایه دیگر قرآن چنین آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ». (اعراف / ۹۶). از این‌ایه استفاده می‌شود که کسانی که به خدا ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کنند در معرض رحمت الهی قرار می‌گیرند. و خداوند بر اساس رحمت خویش برکات زمین و آسمان را بر روی آن‌ها می‌گشاید. پس ایمان به خدا یک هدف میانی است که انسان به واسطه آن به رحمت الهی دست پیدا می‌کند.

۲-۳ متمسک شدن به خدا

از نظر قرآن یکی از اهداف میانی ایمان و تمسک به خداوند است: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةِ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا». (نساء / ۱۷۵).

پس فقط ایمان قلبی هم کافی نیست، باید به خدا، به دامن خدا، یعنی به دامن‌این خدا و راه خدایی چنگ بزنید، متمسک بشوید. اگر ایمان نداشته باشید؛ اگر ایمان داشته باشید، اعتصام نداشته باشید، تعهدات خودتان را در مقابل خدا عمل نکنید؛ به سوی خدا راه نمی‌یابید، آن روشنایی هدایت در دل شما فروغ نمی‌افکند؛ این مخصوص مؤمنین است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶). در نتیجه انسان با ایمان و متمسک شدن به خداوند می‌تواند به رحمت الهی برسد.

۲-۴ عمل صالح

چنانچه در بحث ایمان به خدا و اطاعت از او گفته شد انسان برای رسیدن به رحمت الهی باید ایمان آورده و از او اطاعت کند. بر اساس قرآن برای رسیدن به این هدف باید ایمان آورده و عمل صالح نیز داشته باشد. «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ». (جاثیه / ۳۰). در برخی آیات خداوند متعال می‌فرماید که کسی را که بخوهد در رحمت خویش داخل می‌کند. «يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا». (انسان / ۳۱).

قابل توجه است که در آغاز آیه می‌گوید: «هر کس را بخوهد در رحمت خود وارد می‌کند» اما در پایان آیه، به صراحت اعلام می‌کند که برای ظالمان عذاب دردناکی را آماده کرده است. این نشان دهنده آن است که مشیت و اراده خدا بر عذاب بعد از آن است که انسان اراده ظلم و گناه بکند. و نیز به قرینه مقابله مشخص می‌شود که مشیت و اراده خدا در رحمت نیز بعد از آن است که انسان اراده ایمان و عمل صالح بکند. و از حکیم انتظار غیر از این نیز نمی‌توان داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۳۸۷).

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ». (شوری / ۸). «اگر خدا می‌خواست همه آن‌ها را امت واحدی قرار می‌داد و به حکم اجبار هدایت می‌کرد و مؤمن می‌ساخت ولی خداوند هر که را بخوهد در رحمت خود وارد می‌کند و برای ظالمان ولی و یابوری نیست». علامه طباطبایی در ذیل‌ایه چنین آورده است: «اینکه در این‌ایه بین «من یشاء» و «الظالمون» مقابله افتاده، می‌خواهد این را برساند که مقصد از «من یشاء» غیر

ظالمین است. پس معنای ایه چنین می‌شود که خداوند غیر ظالمین را داخل رحمت خود می‌کند. ظالمین «ولی» و «نصیر» ندارند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۹).

درایه مورد بحث ما نیز شرایط ورود به رحمت الهی و ویژگی‌های آن‌ها بیان شده است که ایمان و عمل صالح است.

پس می‌توان گفت که در این ایه یکی دیگر از اهداف میانی برای رسیدن به هدف غائی بیان شده است. آن‌هم ایمان و عمل صالح است. و بدون این دو رسیدن به هدف غائی امکان‌پذیر نیست.

۲-۱۵ ایمان به روز قیامت و انفاق

بر اساس قرآن کریم خدای تعالی کسی را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و انفاق می‌کند، در رحمت خویش داخل می‌کند. «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتَوَقَّعَ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (توبه / ۹۹). «گروهی از این عرب‌های بادیه‌نشین کسانی هستند که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند این کار را وسیله نزدیکی به خدا و مایه توجه و دعای پیامبر (ص) که افتخار و برکت بزرگی است می‌دانند، آگاه باشید که این انفاق‌ها به طور قطع مایه تقرب آن‌ها در پیشگاه خداوند است، خدا آنان را به زودی در رحمت خود فرومی‌برد، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است».

ما در این آیه تأکیدهای متعددی را مشاهده می‌کنیم. قابل توجه است که کلمه «الا» و «ان» برای تأکید است. و نیز جمله «سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ» به‌ویژه، «فی» که ورود در رحمت الهی را می‌رساند و در جمله آخر که با «ان» آمده و دو صفت (غفور و رحیم) را ذکر می‌کند، بیان‌کننده تأکید است. پس می‌توان گفت که همه این تأکیدها نهایت لطف و رحمت خدا را در مورد این دسته بیان می‌کند. علت آن شاید این باشد که آن‌ها (بادیه‌نشینان) باین که از تعلیم و تربیت محروم بوده و در حد کافی دستشان به آیات الهی و سخنان پیامبر (ص) نمی‌رسید، ولی باز هم اسلام را پذیرفته بودند. و نیز باین که امکانات مالی خوبی نداشتند، ولی همیشه در راه خدا انفاق می‌کردند. بنابراین این بادیه‌نشینان نسبت به شهرنشینان شایستگی هرگونه تقدیر و تشویق را داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۹۶).

از این ایه استفاده می‌شود که برای ورود به رحمت الهی باید به خدا و روز قیامت ایمان آورده و انفاق کنیم. انفاق در راه خدا نتیجه ایمان به خدا و روز قیامت است؛ زیرا انسان با باور به خالق رحمان و دادگاه عدلی که اعمال همه در آنجا حساب‌رسی می‌شود، سعی می‌کند کارهایی را انجام

بدهد که مورد رضایت خالق رحمان بشود و در دادگاه عدل سربلند باشد و مجوز ورود به رحمت الهی را بگیرد. و انفاق در راه خدا نیز از کارهایی است که انسان را به این هدف می‌رساند. پس ایمان به خدا و روز قیامت و انفاق در راه خدا از اهداف میانی محسوب می‌شوند که با به‌کارگیری آن‌ها ما به هدف غائی می‌رسیم.

۶-۲ هجرت و جهاد در راه خدا

از نظر قرآن کریم انسان به واسطه ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان می‌تواند به رحمت الهی برسد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا ذَلِكَ أَجْرُ اللَّهِ وَ اللَّهُ وَ أَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ». (توبه / ۲۰). «کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، این‌ها در پیشگاه خداوند مقامی برتر و بزرگ‌تر دارند و این‌ها به افتخار بزرگی نائل شده‌اند».

منظور از اهل ایمان، هجرت کنندگان و جهاد کنندگان در راه خدا با مال و جان چه کسانی هستند؟ در تفسیر مجمع البیان در این مورد چنین آمده است: «منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا...» کسانی هستند که خدا را تصدیق کرده و به وحدانیت او اعتراف می‌کنند. منظور از «وَ هَاجَرُوا» کسانی هستند که از وطن‌های کفر خود به سرزمین اسلام هجرت می‌کنند. و مقصود از «وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» کسانی هستند که در برخورد با دشمنان دین سختی‌ها و مشقت‌ها را تحمل می‌کنند» (طبرسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۴).

قابل توجه است که درایه بعدی خداوند متعال برای اهل ایمان، هجرت کنندگان و جهاد کنندگان در راه خدا با مال و جان، سه بشارت می‌دهد که نخستین بشارت رسیدن به رحمت الهی است. «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ». (توبه / ۲۱).

پس بر اساس این آیات می‌توان گفت که ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان، از اهداف میانی محسوب می‌شوند که به واسطه آنها به رحمت الهی می‌رسیم.

۷-۲ تقوا

تقوا از موضوعات مهمی است که انسان در امر تربیت هر گز بی‌نیاز از آن نیست. قرآن نیز به عنوان کتاب تربیت بسیار به آن تأکید کرده است. تقوا از اهداف میانی محسوب می‌شود؛ چون وقتی آیات قرآن را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که تقوا از اهمیت زیادی برخوردار است. ولی باین

حال برای رسیدن به مراتب بالاتر به عنوان واسطه معرفی می‌شود. یکی از آن مراتب بالاتر رحمت الهی است. در قرآن کریم چنین آمده است: «وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (انعام / ۱۵۵). آیات دیگری نیز بر این مسئله دلالت می‌کند. (اعراف / ۶۳، یس / ۴۵، حجرات ۱۰). از این آیات می‌فهمیم که برای دستیابی به رحمت الهی باید تقوا داشته باشیم. پس تقوا یکی از اهداف میانی است که به واسطه آن، می‌توان به رحمت الهی رسید.

درایه دیگر چنین می‌خوانیم: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ». (مائده / ۶۵). از این‌ایه نیز به این مسئله پی می‌بریم که خداوند به خاطر تقوای بندگانش با آن‌ها با رحمتش رفتار می‌کند. چون پوشاندن بدی‌ها و گناهان بندگانش و داخل کردن آن‌ها به بهشت که پر از نعمت‌های مختلف است، بدون رحمت امکان‌پذیر نیست. پس به واسطه تقوا که یکی از اهداف میانی است می‌توان به هدف غایی که رحمت الهی است دست یافت.

۲-۸ زکات

خداوند متعال در قرآن کریم از رحمت و اسعه خویش بحث می‌کند و شرایط رسیدن و به دست آوردن آن را نیز بیان می‌کند: «وَ اَكْتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدُّنَا اِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي اَصِيبُ بِهٖ مَنْ اَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ». (اعراف / ۱۵۶). در این‌ایه حضرت موسی (ع) از خداوند می‌خواهد که در دنیا و آخرت به آن‌ها حسنه بدهد. توبه و بازگشت خودشان را نیز یادآوری می‌کند. در جواب او خدای کریم هم عذاب و هم رحمت و اسعه خویش را بیان می‌کند. و در پایان‌ایه شرایط رسیدن به این رحمت و اسعه را ذکر می‌کند. و آن شرایط عبارت‌اند از: تقوا، زکات و ایمان آوردن به آیات الهی.

اما منظور از تقوا، زکات و ایمان به آیات الهی چیست؟ به این سؤال چنین پاسخ داده شده است: منظور از «لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» کسانی است که از گناهان و ترک واجبات دوری می‌کنند. در جمله «وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ» منظور از زکات حق مالی و یا مطلق انفاقی است که در راه خدا داده می‌شود که بواسطه آن مال زیاد، مفسد اجتماع اصلاح و نواقص آن تکمیل می‌شود. و منظور از «وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» تسلیم شدن در مقابل تمام آیات و نشانه‌هایی است که از طرف خداوند رسیده است. چه آن آیات مانند معجزه‌های موسی و عیسی و رسول خدا (ص) معجزه باشد و چه اینکه مانند شرایع و دستورات موسی و دستورات سایر انبیاء (ع) احکام آسمانی باشد. و چه خود انبیاء باشند و یا نشانه‌ای از نشانه‌های نبوت باشد، مانند نشانه‌های حضرت محمد (ص) که خداوند در کتاب موسی و عیسی آن‌ها را ذکر کرده است. همه این‌ها آیات خداوند هستند که بر همه واجب است

که به آن‌ها ایمان آورده، در مقابل آن‌ها تسلیم شده و آن‌ها را تکذیب نکند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۷۷) و این که خداوند این شرایط رسیدن به رحمت و واسعه را در مقابل عذاب خویش آورده است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که کسانی که دارای این شرایط نباشند به عذاب الهی مبتلا می‌شوند. در واقع در این‌ایه هم به شرایط رسیدن به رحمت و واسعه الهی و هم شرایط شایستگی مبتلا شدن به عذاب الهی ذکر شده است. آن‌ها نیز عبارت‌اند از: باتقوا نبودن، پرداخت نکردن زکات و ایمان نیاوردن به آیات الهی.

پس نتیجه گرفته می‌شود که زکات، تقوا و ایمان به آیات الهی از اهداف میانی محسوب می‌شوند که به واسطه آن‌ها می‌توانیم به رحمت الهی برسیم.

۲-۹ رسیدن به مقام محسنین و نیکوکاری

در قرآن آمده است که محسنین نزدیک به رحمت الهی هستند: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ». (اعراف / ۵۵-۵۶).

در اینجا قبل از همه چیز می‌خواهیم بدانیم که محسنین چه کسانی هستند؟ و دارای چه ویژگی‌هایی هستند که مشمول رحمت الهی می‌شوند؟

راغب در مفردات چنین می‌نویسد: «احسان برتر از عدالت است، زیرا عدالت آن است که انسان چیزی را که وظیفه‌اش است، می‌دهد و کمتر از آن را که حق اوست می‌گیرد، ولی احسان این است که انسان بیشتر از وظیفه خویش را می‌دهد و کمتر از حق خویش را می‌گیرد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۶).

اما در قرآن کریم ویژگی‌های متعددی برای محسنین ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«الْم تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (لقمان / ۱-۵)

در این‌ایه اقامه نماز، ادای زکات و یقین به آخرت از ویژگی‌های محسنین شمرده شده است. و جالب است که درایه سرانجام آن‌ها نیز بیان شده است که در نتیجه دارا بودن به این ویژگی‌ها از هدایت پروردگار برخوردار گشته و رستگار می‌شوند.

و درایه مورد بحث ما نیز به ویژگی‌های محسنین اشاره می‌شود. چنانچه در تفسیر «المیزان» چنین آمده است: «اعتدال در عبادت و دوری از فساد در روی زمین بعد از اصلاح آن را «احسان» نامیده و افرادی را که این دستورات را قبول کرده و عمل می‌کنند «محسنین» می‌خواند، که رحمت خدا نزدیک به آنان است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۱۶۰).

پس نتیجه گرفته می‌شود که بر اساس این‌ایه با محسن و نیکوکار بودن نزدیک به رحمت الهی می‌شویم و می‌توانیم به آن برسیم.

۲-۱۰ شکرگزاری

از این جهت که به وسیله شکرگزاری به رحمت الهی که هدف نهایی است می‌رسیم، آن را در ذیل اهداف میانی آورده‌ایم. البته ممکن است گفته شود شکرگزاری راه رسیدن به رحمت الهی است. البته این منافات ندارد با این که هدف هم باشد؛ چرا که شکر لازمه همه نعمت‌هایی است که خداوند به بندگان داده است. همچنین شکرگزاری وظیفه بندگی است چه به کمال برساند یا نرساند. و از سوی دیگر عاملی است برای رشد و تعالی او. «قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ». (نمل / ۴۰). آیه شکر را هدف قرار می‌دهد در برابر فضل خداوند.

شکرگزاری از موضوعات مهمی است که انسان نباید از آن غفلت کند. شکر لفظی و عملی از اقسام شکر است. شکر عملی آن است که انسان نعمت‌هایی را که در دست دارد، در راه رضایت الهی از آن‌ها استفاده کند. باید گفت که از نظر قرآن خداوند بی‌نیاز از شکرگزاری انسان‌ها است. شکرگزاری آن‌ها به نفع خودشان است. «وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ». (نمل / ۴۰).

در قرآن چنین آمده است: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». (ابراهیم / ۷). از این‌ایه به دست می‌آید که خداوند متعال بر اساس رحمت و وسعه خویش نعمت‌های زیادی را به انسان‌ها داده است. و نیز از روی رحمتش به آن‌ها می‌فرماید که اگر در مقابل این نعمت‌ها شکر کنند، خود آن‌ها را می‌افزاید؛ یعنی مقام و درجه آن‌ها را بیشتر می‌کند.

قابل توجه است که خداوند رحیم است که نعمت‌هایش را بدون این که ما از او درخواست کنیم، به ما عطا کرده است. نیز به ما اعلام می‌کند که اگر در مقابل این نعمت‌هایی که به ما داده است، شکرگزار باشیم، مقام و رتبه خود ما را می‌افزاید. این نشان دهنده رحمت الهی است؛ چون با داده‌های خودش می‌خواهد ما را به رحمتش برساند.

در بخش آخرایه می‌فرماید: ولی اگر به جای شکر کفر کنند، عذاب من شدید است؛ یعنی خود را از این رحمت بزرگ دور نگه می‌دارند. واژه عذاب در مقابل رحمت قرار می‌گیرد و در واقع فقدان رحمت است. پس از این‌ایه استفاده می‌شود که انسان به واسطه شکرگزاری می‌تواند رحمت الهی را بر خودش جذب و بدون آن خود را از رحمت الهی محروم کند.

جالب اینکه در مورد شکر با صراحت می‌گوید «الْأَزِيدَنَّكُمْ». اما در مورد کفران نعمت نمی‌گوید شما را مجازات می‌کنم بلکه تنها می‌گوید «عذاب من شدید است» و این تفاوت تعبیر دلیل بر نهایت لطف پروردگار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۷۴).

حقی که انسان نسبت به رحمت خدا دارد برخورداری از مظاهر رحمت است و واجبی که در ارتباط با خداوند متوجه او می‌شود (شکر) این مظاهر رحمت است. چنین شکری نیز با شناخت این که این نعمت‌ها از آن خداوند است و سپس اتخاذ موضع‌گیری درونی در برابر خداوندی که این همه مظاهر رحمت را در اختیار او قرار داده است (امتنان درونی در برابر خداوند به خاطر وجود این نعمت‌ها) و بعد از آن اعتراف به این نعمت‌ها با زبان قال و سرانجام استفاده کردن از این نعمت‌ها آن‌گونه که خداوند دستور داده است تحقق می‌یابد. و چون بخشی از این استفاده کردن از نعمت‌ها در ارتباط با بندگان و آفریدگان خداوند است، بنابراین واجب و وظیفه انسان خودبه‌خود شاخه‌ای دیگر به خود می‌گیرد و آن این که او باید آن نعمت‌ها را در ارتباط با بندگان خدا به‌کارگیرد؛ یعنی او هم باید نسبت به بندگان خدا رحیم باشد. بر این اساس است که مؤمنین نسبت به هم رحیم هستند: (رحماء بینهم) (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲).

پس شکرگزاری یکی از اهداف میانی است که به واسطه آن می‌توان به رحمت الهی رسید.

۲-۱۱ امیدوار بودن به رحمت الهی

امیدوار بودن انسان آن‌قدر اهمیت دارد که اگر یکی فاقد آن باشد، زندگی‌اش بی‌معنا می‌شود. و انسان با امید زنده است. خداوند رحمان نیز در قرآن کریم بندگان را از نومید شدن از رحمت الهی نهی می‌کند. «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». (زمر / ۵۳).

در این‌ایه افزون بر نهی از نومیدی از رحمت الهی، به صفات مغفرت و رحمت خداوند اشاره می‌شود. و این نشانگر آن است که انسان با امیدوار بودن می‌تواند به رحمت خداوند برسد.

و درایه دیگر کسانی که از رحمت الهی نومید می‌شوند، تهدید به عذاب شده‌اند. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَكْفُرُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». (عنکبوت / ۲۳). درواقع می‌توان گفت که این‌ایه برای بیان‌ایه «يُعَذَّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ» (عنکبوت / ۲۱) است؛ یعنی خداوند به همه پیام می‌دهد که کسی که می‌خواهد از عذاب الهی به دور ماند و به رحمت الهی برسد، نباید نومید شود.

نیز خداوند رحیم درایه دیگری از زبان حضرت یعقوب (ع) به فرزندان دستور به مایوس نشدن از رحمت الهی می‌دهد: «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». (یوسف / ۸۷). در این‌ایه سبب مایوس شدن از رحمت الهی بیان شده است که آن هم کفر است. پس اهل‌ایمان هرگز نباید از رحمت الهی مایوس شوند. بلکه در هر شرایطی باید یک زندگی سرشار از امید داشته باشند. چون جنایت فرزندان یعقوب (ع) مشخص است. ولی باز به آن‌ها می‌فرماید که نباید نومید شوید.

از همه این‌ایات می‌فهمیم که خداوند به هیچ‌وجه نمی‌خواهد که بندگان از رحمت او مایوس شوند.

پس امیدوار بودن به رحمت خداوند و عدم نومییدی از آن، یکی از اهداف میانی محسوب می‌شود که به واسطه آن، به هدف غائی می‌رسیم.

۲-۱۲ حسن ظن داشتن به خداوند

همان‌قدر که حسن ظن داشتن به خدای رحیم خوب است، سوءظن داشتن به او نیز بد است. چنانچه خدای تعالی در قرآن کریم از مجازات آن‌ها خبر می‌دهد: «وَيُعَذَّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا». (فتح / ۶). از این‌ایه به دست می‌آید که عوامل سوءظن داشتن به خداوند نفاق و شرک است.

و نیز مجازاتی را برای آن‌ها در نظر گرفته است که از این قرارند: با حوادث بد روبه‌رو می‌شوند. مشمول غضب الهی قرار می‌گیرند. خداوند آن‌ها را مورد لعن قرار داده و از رحمت خویش دور می‌کند. و جهنم را برای آن‌ها آماده کرده است.

چنانچه در تفسیر مجمع البیان این قسمت‌ایه «و غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ» چنین معنا شده است: «أی أبعدهم من رحمته» (طبرسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۷۱). یعنی از رحمت خویش آنها را دور کرده است.

در تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن نیز چنین آمده است: «(وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) ای لعنه لهم و عذابه (و لعنهم) ای أبعدهم من رحمته» (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۱۸)

«سوءظن» نیز مثل «حسن ظن» سه تقسیم دارد: گاهی نسبت به خویشتن، گاهی نسبت به دیگران و گاهی نسبت به خدا صورت می‌گیرد. ولی باید گفت که سوءظن نسبت به خویشتن اگر به حد افراط نرسد، سبب تکامل می‌شود که انسان نسبت به اعمال خود سختگیری می‌کند و جلوی عجب و غرور را می‌گیرد. این نوع «سوءظن» در روایات (سید رضی، ۱۳۹۳، خطبه همام) نیز به عنوان یکی از اوصاف پرهیزکاران آمده است. اما سوءظن در مورد مردم ممنوع است. ولی باید دقت کرد که این تبدیل به خوش‌باوری نشود که در نتیجه آن، فساد بر جامعه غلبه کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۶-۳۷).

و اما «سوءظن» نسبت به خداوند بسیار بد است، و نشانه ضعف ایمان و گاهی حتی نشانه عدم ایمان می‌شود. قرآن به صورت متعدد از سوءظن افراد بی‌ایمان و یا ضعیف‌الایمان یاد می‌کند. به‌ویژه وقتی که حوادث ناگوار رخ می‌دهد، افرادی که ایمانشان ضعیف است، شکایت می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۷).

مخصوصاً نمونه روشنی از آن در میدان جنگ احزاب هنگامی که مسلمانان سخت تحت فشار قرار گرفتند ظاهر شد و خداوند گمان‌های سوء گروهی را سخت نکوهش کرد: «إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا». (احزاب / ۱۰-۱۱).

حتی در آیه ۱۵۴ آل‌عمران این‌گونه گمان‌ها را «ظن الجاهلیه» (گمان‌های دوران جاهلیت) خوانده است. به هر حال مسئله حسن ظن به خدا و وعده رحمت و کرم و لطف و عنایت او از نشانه‌های مهم ایمان و از وسایل مؤثر نجات و سعادت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۸).

مشخص شد که انسان با سوءظن داشتن به خدا خودش را از رحمت الهی دور می‌کند. پس نتیجه گرفته می‌شود که حسن ظن داشتن به خداوند رحیم از اهداف میانی است که از طریق آن می‌توان به رحمت الهی رسید.

۲-۱۳ تعقل و تفکر

عقل از نعمت‌های بزرگی است که خداوند متعال به انسان ارزانی کرده است. قدرت تعقل آن قدر اهمیت دارد که فرق او را با سایر موجودات مشخص می‌کند. همان‌طور که حجت ظاهری یعنی پیامبر خدا (ص) برای انسان‌ها رحمت است (انبیاء / ۱۰۷)، حجت باطنی یعنی عقل و قدرت تعقل نیز برای انسان‌ها رحمت است. خداوند بر اساس رحمت خویش به انسان‌ها عقل و قدرت تعقل داده است که به‌واسطه آن، بتواند خوب و بد را تشخیص داده و هدایت یابد. و در نتیجه آن، سعادت خویش را تضمین نماید. بدون تعقل انسان قدراین نعمت بزرگ را ندانسته و خود را از هدف غائی یعنی رحمت الهی محروم می‌کند. به‌خاطر این، خداوند متعال در قرآن انسان‌ها را مکرر دعوت به تعقل می‌کند. اینک به‌عنوان مثال چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

خدای تعالی در آیات مختلف با توبیخ کردن کسانی که تعقل نمی‌کنند، آن‌ها را با عباراتی؛ مانند «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف / ۱۰۹)، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام / ۵۰) و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء / ۸۲؛ محمد / ۲۴) دعوت به تفکر و تعقل می‌کند.

و نیز با عبارات «لعلکم تعقلون» (غافر / ۶۷)، «ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون» (نحل / ۱۲)، «کذلک نفصل الایات لقوم یعقلون» (روم / ۲۸) و ... همه انسان‌ها را دعوت به تعقل می‌کند.

کافی است که انسان از این عقل استفاده نموده و تعقل نماید. در این صورت قطعاً خویش را به رحمت الهی نزدیک می‌کند. پس تعقل و تفکر از اهداف میانی محسوب می‌شود که انسان از طریق آن، می‌تواند به رحمت الهی برسد.

۲-۱۴ فراگیری علم

علم در زندگی انسان از اهمیت خاصی برخوردار است. به‌خاطر این که او برای رسیدن به کمال نیاز به علم دارد. چنانچه خداوند متعال این نیاز را در قرآن بیان کرده است. و برای برطرف کردن این نیاز انسان به او علم آموخته است. «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (علق ۵). از این‌ایه می‌فهمیم که انسان برای رسیدن به هدف خلقت خویش، نیاز به علم دارد. و این علم را فقط خداوند می‌تواند به او بیاموزد و آموختن این علم از جای دیگر برای او میسر نیست.

درایه دیگر خدای تعالی در مورد آدم ابوالبشر می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ» (بقره / ۳۱). از این‌ایه به دست می‌آوریم که خداوند علم مورد نیاز آدم را به او عطا

کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که انسان برای رسیدن به کمال خویش نیاز به علمی دارد که فقط خداوند می‌تواند آن را به او عطا کند.

اینجاین سؤال مطرح می‌شود که فراگیری علم به عنوان هدف میانی چه ارتباطی با رحمت الهی دارد؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که چون خداوند متعال دارای رحمت واسعه است، باید نیازهای انسان را برطرف کند. حالا همان‌طور که گفتیم یکی از نیازهای انسان علم است. و خداوند بر اساس رحمت خویش، انسان را از نظر علمی تأمین می‌کند. و انسان نیز برای رسیدن به رحمت الهی چاره‌ای جز از فراگیری علم الهی ندارد.

قابل توجه است که در سوره «الرحمن» خداوند متعال رحمانیت خویش را معرفی می‌کند. در واقع جواب سؤالی را می‌دهد که مشرکان از پیامبر (ص) پرسیدند که رحمان چیست؟ «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ» (فرقان / ۶۰).

به آن‌ها چنین پاسخ داده می‌شود: «الرَّحْمَنُ. عَلَّمَ الْقُرْآنَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ». یعنی خداوند رحمان دارای این ویژگی‌ها است. و جالب است که به عنوان اولین ویژگی خداوند رحمان حتی قبل از خلقت انسان تعلیم قرآن را بیان می‌کند. چون تعلیم قرآن برای رسیدن به کمال و رحمت الهی برای انسان مهم‌تر از همه چیز است در نتیجه انسان برای رسیدن به هدف غائی یعنی رحمت الهی، باید هدف میانی یعنی علم الهی را فراگیرد.

۲-۱۵ اصلاح بین برادران

اصلاح کردن بین برادران و آشتی دادن بین آن‌ها از مرحمت و مهربانی نشأت گرفته است؛ یعنی انسانی که مهربان است و مرحمت دارد می‌تواند اختلاف برادران را حل کند. و نیز هر انسانی برای رسیدن به رحمت الهی باید بین برادران خویش را اصلاح کند. چنانچه در قرآن کریم به این مسئله اشاره شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات / ۱۰). از این‌ایه به دست می‌آید که برای برادر هم شدن و خیرخواهی همدیگر را خواستن حتماً لازم نیست که از یک پدر و مادر باشیم، یا فامیل یا از یک نژاد و ملت باشیم. بلکه دارای یک‌ایمان و اعتقاد قلبی بودن در برادر یکدیگر بودن کافی است. دین اسلام چه قدر دستورات و برنامه‌های رحمت آمیز دارد که حتی کسانی را که از یک نژاد نیستند و دارای یک رنگ و پوست نیستند، ولی ایمان واحد دارند را نیز با یکدیگر برادر می‌داند.

و در مورد جمله «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» فرمود: خداوند متعال نفرمود که «فاصلحوا بین الاخوان»، چون می‌خواست که کوتاه‌ترین و لطیف‌ترین بیان را داشته باشد، این جمله دو مطلب را می‌رساند: یکی اینکه دو نفری که باهم جنگ می‌کنند برادر همدیگرند و باید بین آن دو نفر را اصلاح کرد، دوم اینکه مسلمانان دیگر نیز با آن دو نفر که جنگ می‌کنند برادر هستند و آن‌ها باید حق برادری را ادا کرده بین آن دو نفر را اصلاح کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۱۵).

۲-۱۶ وفای به عهد

در قرآن خداوند رحیم در مورد مجازات کسانی که عهد الهی را می‌شکنند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد / ۲۵). از این‌ایه چنین استفاده می‌شود که کسانی با خدا عهد بسته و بعد آن را می‌شکنند و با خدا قطع ارتباط می‌کنند، در زمین فساد خواهند کرد. پس فساد در زمین نتیجه شکستن عهد و قطع ارتباط با خدا است و مجازات آن‌ها هم این است که مورد لعن قرار می‌گیرند و سزاوار آخرت بد می‌شوند؛ یعنی از رحمت الهی دور گردانده می‌شوند. پس چنانچه انسان با نداشتن وفای به عهد از رحمت الهی دورنگه داشته می‌شود، با داشتن وفای به عهد نیز به رحمت الهی می‌رسد.

۲-۱۷ امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین وظایف اجتماعی است که قرآن کریم در آیات متعددی بر آن تأکید می‌کند. ما به عنوان نمونه به یک‌ایه اشاره می‌کنیم که مربوط به موضوع است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» (توبه / ۷۱).

در این‌ایه به برخی از صفات و وظایف مؤمنان اشاره می‌شود. و یکی از آن صفات و وظایف امر به معروف و نهی از منکر است.

و در پایان‌ایه مکافات مؤمنانی را که به این وظایف عمل می‌کنند را بیان می‌کند. آن هم این است که آن‌ها را به زودی مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد.

پس امر به معروف و نهی از منکر یکی از اهداف میانی است که به واسطه آن می‌توانیم به رحمت الهی برسیم.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر آن شد که بر اساس تربیت رحمت‌محور در راستای حقوق بشر، اهدافی که ما را برای موفق شدن در امر تربیت حقوقی کمک می‌کنند، از دل آیات استخراج شوند. همان‌طور که ذکر شد، برای موفقیت در امر تربیت هدف غائی و اهداف میانی داریم. در این پژوهش بر خلاف دیگران، هدف غائی تربیت رسیدن به رحمت واسعه و بی‌انتهای الهی است. در حالی که دیگران هدف غائی تربیت را معرفت و بندگی خدای متعال می‌دانند. اما برای رسیدن به این هدف غائی بر اساس تربیت رحمت‌محور اهداف میانی را نیز نیاز داریم. و در این جستار از دل آیات قرآن اهداف میانی را نیز به دست آوردیم که از این قرارند:

معرفت خدای متعال، ایمان به گستره رحمت خدا و اطاعت از او و رسولش، متمسک شدن به خدا، عمل صالح، ایمان به روز قیامت و انفاق، هجرت و جهاد در راه خدا، تقوا، زکات، رسیدن به مقام محسنین و نیکوکاری، شکرگزاری، امیدوار بودن به رحمت الهی، حسن ظن داشتن به خداوند، تعقل و تفکر، فراگیری علم، اصلاح بین برادران، وفای به عهد و امر به معروف و نهی از منکر و به ویژه شناخت حقوق انسان و رعایت آن مطابق رحمت الهی. قابل ذکر است که گرچه برخی از اهداف میانی که در این پژوهش ذکر شده‌اند، از طرف دیگران نیز از اهداف میانی تربیت محسوب شده‌اند. ولی باید گفت که همه این اهداف میانی با استناد به آیات قرآن کریم استخراج شده است؛ یعنی از نظر قرآن که تربیت باید رحمت‌محور باشد، این اهداف نیز اهداف تربیت رحمت‌محور است. امید است که با برنامه‌ریزی دقیق در امر تربیت به واسطه این اهداف میانی به هدف غائی دست پیدا خواهیم کرد.

ممکن است سؤال شود که اگر ما تربیت رحمت‌محور را نپذیریم اهداف تربیتی که در این پژوهش بر آن‌ها رسیده شده است را نمی‌پذیریم؟ به سخن دیگر اهدافی که بر اساس تربیت رحمت‌محور مطرح شده است، دیگران همه مطرح کرده‌اند پس تفاوت یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین چیست؟

در پاسخ باید گفت که در مورد هدف غائی تربیت، بر اساس تربیت رحمت‌محور گفتیم که هدف غائی رسیدن به رحمت الهی است. ولی هدف غایی تربیت را اکثراً بندگی و معرفت به خدا می‌دانند. ما بندگی و معرفت به خدا را از اهداف میانی در نظر گرفتیم. این خودش دید ما را نسبت به تربیت، متفاوت می‌کند. در این پژوهش تلاش شده است با توجه به واژه رحمت از متن آیات اهداف بدست آورده شود. یعنی با استناد به آیات قرآن ذکر کردیم که برخی از اهداف میانی به

صراحت برای رسیدن به هدف غائی «رحمت الهی» هدف میانی محسوب می‌شوند؛ یعنی خود قرآن آن‌ها را برای رسیدن به رحمت الهی از اهداف میانی می‌داند که ما آن‌ها را ازایات قرآن استخراج کردیم و همه این تلاشها، بعد از تربیت درست انسان، در جهت تحقق بخشیدن به حقوق بشر با تکیه به رحمت بی پایان خداوند بوده است.

منابع

- «قرآن کریم»
- ۲_ پژوهشکده حوزه و دانشگاه، زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین علی رضا اعرافی، (۱۳۹۷)، «درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام»، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۳_ حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۷۷)، «درآمدی بر نظام تربیتی اسلام»، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴_ حر آملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، «وسایل الشیعه»، ناشر: مؤسسه آل البیت (ع)، قم، سال چاپ.
- ۵_ خامنه‌ای، سید علی حسینی، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی، گردآوری و تنظیم صهبا، چاپ شانزدهم مهر ۱۳۹۷.
- ۶_ خمینی، روح‌الله، «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، قم سال چاپ: ۱۳۸۲ ه. ش، چاپ: ۷
- ۷_ راغب اصفهانی حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، دارالعلم الدار الشامیة - دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- ۸_ سبحانی، ناصر، «اسماء الحسناء»، ناشر: مردم سالاری، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۹_ سید رضی، نهج البلاغه، ناشر مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مترجم محمد دشتی، ۱۳۹۳.
- ۱۰_ شیرازی، صدرالدین، محمد بن ابراهیم، «شرح أصول الکافی (صدر)»، محقق / مصحح: خواجوی، محمد، ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۸۳
- ۱۱_ طباطبایی، محمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ه. ق.
- ۱۲_ طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، مصحح یزدی طباطبایی، رسولی هاشم، انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۳_ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، بی تا.
- ۱۴_ قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - ایران - تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۵_ کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تعداد جلد: ۸، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، سال چاپ: ۱۴۰۷ ق
- ۱۶_ گروهی از نویسندگان، زیر نظرایت‌الله مصباح یزدی، «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»، انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۰، چاپ اول.
- ۱۷_ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، «بحارالانوار»، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، سال ۱۴۰۳ ق.
- ۱۸_ مصباح یزدی، محمدتقی، «به سوی تو»، تدوین و نگارش: کریم سبحانی، - قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳.
- ۱۹_ مصباح یزدی، محمدتقی، «خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۱)»، تحقیق و بازنگری: امیررضا اشرفی، - قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- ۲۰_ مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ش.